

نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون ۱

منت خدای را عزو علا که هر چه هست از گاه الست دست اطاعت بعهد
عبادتش داده و ذوات ذرات از بالا و پست گردن طوع بطوق عبودیتش نهاده
دارندگان عهدش را از درستی و عدش عیشهای مهنا آماده و مهیاست و پذیرندگان
پیمانش را از ترادف احسانش تزیید دولت و نعم بیمنتها، بهردینی پیغمبری
امین فرستاده و بهر ملکی ملکی با تاج و نگین، دلها را از او علاقه الفت
است و جانها را از او پیوند محبت. رستگاری ده راستکاران، فزونی بخش
درست گفتاران، دانای هر پنهان و پیدا، پدید آورنده ارض و سماء

اول او اول بی ابتدا آخر او آخر بی انتها

نیست خدائی بجز او بی نیاز اوست خداوند خداوند ساز
بر مرآت پاک و صفحه تابناک ضمیر منیر پادشاه کشور گیر، ماه افسر کیوان
سریر، مجره که مندریاعلم، آسمان مو کب انجم حشم، پناه با احسان مجدو جلال
دریای طوفان زای نجد و اقبال، برنس آفر از دیر نبالت و برتری، صلیب آویز جیب
جلالت و سروری، آفتاب مشرق دولت تاجداری، سایه خورشید شہامت و شهر یاری،
خسرو خصم انداز خدیو گردن فراز، اسکندر جهان گرد، دارای پسندیده عهد،
ایمپراطور اعظم نامدار عم اکرم کامکار که همواره مظفر و دولتیار باد منطبع و مرتسم

میدارد که امروز بر همه جهان روشن و عیان و بر هر صاحب بصیرتی واضح و نمایان است که دوستی و التیامی که میانه دولت فرانسه و ایران است حکام یافته اساسی است پابرجا که بنیانش از صدق و صفاست و ارکانش از وفاق و وفا، شرابی است صاف که مذاق جان از آن درد خلاف نچشیده و رشته ایست محکم که دیده امتحان در آن نقص پیوند ندیده. دل های جانبین ساغر یست از باده محبت لبریز و محبت طرفین باده ایست در بزم وفا نشأقریز. اراده از این دو دولت پایدار را بیکدیگر پیوسته و علاقه لهیزل میانه این دو عقد مطابقت بسته بنای این الفت مصون از رخنه کلفت آن و این است و گلزار این مودت آسوده از دستبرد هر گلچین و چنانکه از اوضاع این حدود و تحریرات مجدت و نجدت پناه نیالت و جلالت انتباه الاختبار الاکابر و الامراء جنرال غار دان خان و تقریرات کیاست و فراست اکتناه مهندس هوشمند آگاه موسیو لامی بر رأی ملک آرا معلوم و هویدا خواهد شد، اگر روزی بنا بر مصالحتی تأسیس اساس مواساتی با انگریز شده باز بملاحظه این است که از آن طرف همت بلند آن خسروارجمند بانتظام مناظم اسپانیا و دیگر امور مقصور بوده و فرصتی ننمودند که بمقتضای عهد مودت میان دولت ایران و روس دفع مواد خصومت فرمایند و از این طرف نیز الی الآن فراغتی از مجادله و ستیز روسیه دست نداده که بفراغ خاطر ووسع بالابواب بأس و نکال بر چهره فتنه انگیزان انگریز گشایند و اگر چه اطمینانی تمام بر استی گفتار و درستی کردار آن خسرو اسکندر احتشام حاصل و یقینی کامل است که خلاف عهد مودت و ایستلاف از طرف زاهر الشرف ایمپراطوری نسبت باین دولت ظاهر نخواهد شد لیکن چون بمشاغل چند که شاغل همت بلند آن شهریار نیکوکار بوده هنوز اثری از عهد دوستی ظاهر نگردیده، سواران جرار و سربازان آتشبار این دولت پایدار نیز که نمودار آتش و آب اند بادلهای قوی حفظ سرحدات مملکت را از تعرض روس و انگریز مهیا و آماده اند که از هر طرف آتش بلائی شعله ور گردد، بآب تیغ آتشبارش فرو نشانند و از هر سو سیل بلائی منحدر آید باسد آهنین حسامش متصرف سازند و مقرر صد است که عنقریب آثار مودت از طرف اشرف ایمپراطوری ظاهر گردیده فوایدی که برای دولتین فرانسه و ایران در ضمن این مطابقت متصور است جلوه گر و آثار آن

فایض و منتشر شود و چون فطانت همراه زبده الاشباه مهندس کار آگاه موسیو
لامی در این مدت بمقتضای اتحاد دو دولت فرانسه و ایران رنج و مشقت بینهایت
در خدمت محوله بخود کشیده، مترقب است که محض یگانگی دولتین او را
بزیادی جاه و منصب مخصوص فرمایند که نشانی از غایت مواحدت دو دولت
خواهد بود و همه اوقات نیز مترصد است که از مرده فتوحات لشکر منصور
خاطر هواداران را خرم و مسرور سازند. تا آسمان محیط زمین را آرایش از
اردیبهشت و فروردین است تخت فیروز بخت دولت از وجود همایون با تزیین باد.

در بالای نامه محل مهر عباس میرزا